

بازشناسی موانع و چالش‌های توسعه علمی جمهوری اسلامی ایران لیلا سنگی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

چکیده:

جوامع مختلف به منظور بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خود، نیازمند فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه هستند و یکی از عوامل موثر بر رشد و توسعه هر کشوری، تحول در ساختارهای علمی کشور به ویژه در حوزه علوم انسانی است. علوم انسانی به عنوان شاخه‌ای از دانش بشری همانند علوم تجربی و طبیعی ابتدا در غرب ایجاد و توسعه یافته و سپس به کشورهای دیگر جهان منتقل شده است. رشد و گسترش علوم انسانی در ایران با آهنگی کند و آهسته همراه بوده است. چگونگی تشکیل و نحوه رشد علوم انسانی در ایران به صورت بارزی تحت تأثیر ادغام افراطی آن با علوم انسانی غربی است. این درهم تنیدگی گسترده، علوم انسانی ایران را به سوی پذیرش بی‌قید و شرط پارادیم‌ها، نظریه‌ها و چارچوب‌های مفهومی علوم انسانی غرب سوق داده است. روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. هدف این مقاله شناسایی و بررسی موانع توسعه علمی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریه نونهادگرایی است. در این مقاله ضمن بررسی نظریه نونهادگرایی به عوامل ساختاری چون تعدد مراکز تصمیم‌گیر در امر توسعه علمی، نگاه کمی به پژوهش‌ها و مقالات علمی، ساختار دانشگاه‌ها و آئین‌نامه ارتقاء اساتید و عوامل سیاسی چون تأثیر گرایش‌های سیاسی در انتخاب روسای دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و اساتید، سیاست گسترش کمی دانشگاه‌ها و نیز نحوه جذب دانشجو به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی به عنوان موانع توسعه علمی ایران اشاره می‌گردد. اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و آئین‌نامه‌ها در کنار پرهیز از نگاه جناحی و سیاسی به امر توسعه علمی و دانشگاه‌ها و نیز ایجاد قطب‌های علمی و پژوهشی می‌تواند زمینه توسعه علمی جمهوری اسلامی ایران را فراهم نماید.

واژگان اصلی: توسعه علمی، سیاست، ساختار، نونهادگرایی، ایران.

مقدمه

توسعه علمی نقش اساسی و راهبردی در توسعه و پیشرفت دانش و فن‌آوری جوامع مختلف دارد و همین نکته ضرورت جست‌وجو از عوامل تسهیل‌کننده و موانع بازدارنده رشد و بالندگی علمی را مورد تأکید قرار می‌دهد. در حوزه اقتصادی اگر جامعه‌ای دچار مشکلات ساختاری و نهادی باشد و به دلیل این مشکلات روند توسعه در آن کند و یا متوقف شده باشد، سیاست‌های جدید مالی و تزریق پول و سرمایه برای افزایش تولید و ایجاد اشتغال و نیز بازگرداندن روند توسعه تا حدودی می‌تواند تأثیرگذار باشد اما چاره نهایی نخواهد بود و این امکان وجود دارد که بدون تغییرات ساختاری و نهادی حتی وضعیت بدتر شود. مظاهر توسعه از قبیل راه، جاده، سد، اتومبیل، تلفن همراه، اینترنت و ... می‌تواند وارداتی بوده و از طریق فروش مواد خام طبیعی (خام فروشی) محقق گردد. اما وجه نهادی و انسانی توسعه از قبیل نهادها، سازمان‌ها، قوانین، رویه‌ها، روابط و ... وارداتی نبوده و نتیجه تحول تدریجی در اندیشه‌ها، افکار، باورها، اعتقادات، ساختارها و نهادهای یک جامعه است. توسعه پایدار که توانایی ایجاد احساس رضایتمندی عمومی، افزایش امید و بهبود زندگی را دارد، تنها در صورتی امکان تحقق دارد که این وجه از توسعه در جوامع ایجاد شود، یعنی افکار، اندیشه‌ها و باورهای افراد جامعه توسعه یابند بنابراین در صورت فقدان یا نقصان شرط کافی توسعه یعنی وجه نهادی و هویتی آن، فرایند توسعه مختل خواهد شد و سیاست‌های دولت تأثیری در بهبود وضعیت جامعه نخواهد داشت (رنانی، ۱۳۹۱).

نهادهای رفتار کنشگران را سمت و سو می‌دهند ولی این بدان معنا نیست که رابطه نهادها و کنشگران رابطه‌ای یک‌سویه و ایستاست. جوامع برای قرار گرفتن در مسیر بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خود نیازمند فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه خود هستند و یکی از عوامل موثر بر رشد و توسعه هر جامعه‌ای تحول در ساختارهای علمی کشور و گسترش دانش در آن است. علم و دانش از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه و پیشرفت کشورها است و ایران نیز برای دست یافتن به توسعه ناگزیر از دستیابی به توسعه علمی است چرا که توسعه علمی زمینه ساز پیشرفت و دست‌یابی به ثروت و در نهایت تبدیل ثروت به قدرت است. در مسیر توسعه علمی کشور، عوامل مختلفی هستند که به عنوان موانع توسعه شناخته می‌شوند. سئوالی که در این مقاله درصدد پاسخگویی به آن هستیم این است که مهمترین موانع توسعه علمی ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چیست؟ بی‌شک مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، معرفتی و اجتماعی - فرهنگی موانع توسعه علمی جمهوری اسلامی ایران را ایجاد نموده‌اند که این موانع نیز هم عرض و هم ارزش نیستند و برخی نسبت به برخی دیگر تقدم داشته و جنبه تعیین‌کنندگی دارند برای نمونه موانع سیاسی مقدم بر موانع فرهنگی و اجتماعی می

باشد. در این نوشتار تلاش خواهیم نمود تا فرضیه‌های زیر را در بوته آزمون قرار دهیم.

- نقش جریان‌های سیاسی در انتخاب روسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی یکی از مهمترین موانع سیاسی توسعه علمی ایران در سالهای پس از انقلاب می‌باشد.

- ضعف ساختارهای سیاسی عقلانی مبتنی بر خرد جمعی از دیگر موانع توسعه علمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

- عدم احساس نیاز سیاستمداران برای رجوع واقعی به متخصصان حوزه‌های مختلف علمی و بهره‌گیری از دانش آنان جهت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کلان در حوزه علم و فناوری از دیگر موانع مهم توسعه علمی ایران در سالهای پس از انقلاب می‌باشد.

به منظور تبیین موانع توسعه علمی ناگزیر از بهره‌گیری از یک چارچوب نظری هستیم و در این مقاله نونهادگرایی به عنوان چارچوب تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تاکنون تعاریف بسیار گوناگونی از نهاد ارائه شده است. در یک تعریف کلی؛ نهاد قواعد رسمی یا غیر رسمی است (Steinmo, 2008: 123). در تعریفی دیگر، نهاد نظام سازمان‌یافته روابط اجتماعی است که متضمن ارزش‌ها و رویه‌های عمومی معین است و نیازهای معینی از جامعه را برآورده می‌سازد یا فرایندهایی است که صورت‌های رسمی یا غیر رسمی رفتار کارگزاران را شکل می‌دهد و بر اندیشه‌ها و برنامه‌های آنان تأثیر می‌گذارد (کیوانی، ۱۳۸۵: ۹۳). از دیدگاه نورث «نهادها قراردادهای ابداع شده انسانی‌اند که کش‌های متقابل انسانی را ساختارمند می‌کنند. آن‌ها از قوانین رسمی (همچون آئین‌نامه‌ها، قوانین عادی، قانون اساسی) و قوانین غیر رسمی (مانند ارزش‌های رفتاری، عرف، قوانین برخورد تحمیل شده رفتار) و خصوصیات اجرایی آن‌ها تشکیل شده‌اند» (North, 1994). نورث در ادامه به تفاوت میان نهادها و سازمان‌ها اشاره کرده و در تعریف سازمان‌ها بیان می‌دارد: «سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل شده‌اند که برای رسیدن به اهداف معینی متحد شده‌اند. سازمان‌ها بازتاب فرصت‌هایی هستند که نهادها ایجاد می‌کنند؛ به عبارت دیگر اگر چارچوب نهادی برای دزدی و فعالیت‌های خلاف پاداش دهد سازمان‌هایی در جهت خلافتکاری و دزدی سازمان می‌یابند و اگر چارچوب نهادی به فعالیت‌های تولیدی پاداش دهد، سازمان‌هایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های مولد و تولیدی را ترویج می‌نمایند» (North, 1994). به اعتقاد نورث، نهاد‌های سیاسی تا زمانی ثابت و پایدار می‌مانند که سازمان سیاسی خاصی از آن‌ها حمایت به عمل آورد، بنابراین به منظور حفظ و تداوم یک نهاد سیاسی بایستی سازمان‌هایی با هدف استمرار حیات آن نهاد تأسیس گردند.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، گروهی از تحلیل‌گران علاقمند به رویکردهای تاریخی و نهادها بر آن شدند تا ضمن توجه به نهادگرایی کلاسیک و نقد همزمان نقاط ضعف رهیافت کلاسیک و همچنین تحلیل‌های زمینه‌گرا و رفتارگرا، اعتبار تحلیلی نهادگرایی را در مقابل رویکردهای رقیب برگردانده و این نکته را اثبات نمایند که عدم توجه به متغیرهای نهادی، به معنای نادیده گرفتن وجه مهمی از عناصر تشکیل‌دهنده فرایندها، رفتارها و نتایج سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است. آنچه امروز نونهادگرایی نامیده می‌شود تلاشی است تا ضمن بازگشت به ارزش‌ها و ریشه‌های سنتی؛ تأکید بر کل‌گرایی، نگاه تکاملی و رویکرد سیستمی و نیز بکارگیری رویکردهای رفتاری چون نظریه انتخاب عقلانی و مطالعات کلاسیک جامعه‌شناختی و اقتصادی، بن‌مایه نظری را غنای بیشتری بخشد و در عین حال دامنه گسترده‌تری را به مصادیق و سطوح تحلیل نهادی ارائه نماید (کاظمی، ۱۳۹۲: ۷-۶).

بر خلاف رویکردهای کلاسیک که بیشتر در حد کلیات و تحلیل کلی تأثیرات نهادها بر عرصه سیاسی و اقتصادی باقی ماندند، نحله‌های متنوع نونهادگرایی در حوزه‌های مختلف به ویژه در سیاست و اقتصاد به ارائه تحلیل‌های عمیقی از انواع و اشکال مختلف نهادها و نحوه تأثیرگذاری این نهادها بر کنش‌ها و نتایج آن‌ها دست زده‌اند که دیگر الگوهای تئوریک به آن‌ها بی‌توجه بودند. تأکید بر نقش تعیین‌کننده نهادها به عنوان یک متغیر مستقل بر فرایند و نتایج کنش‌های اجتماعی و سیاسی، نقش نهادها در زایش بازیگران جدید، نقش نهادهای میانجی در شکل دادن به استراتژی‌های سیاسی کنشگران، نقش نهادها در توزیع قدرت، ارزش‌ها و اطلاعات در سطح اجتماعی، تأکید بر نقش کیفیت نهادها در موفقیت یا شکست سیاست‌ها، مسیری که نهادها به روابط قدرت میان گروه‌های رقیب در جامعه شکل می‌دهند و به ویژه تأکید بر فرآیند سیاست و تصمیم‌گیری سیاسی در درون نهادها، از جمله نوآوری‌های مهمی است که نونهادگرایی در حوزه تحلیل سیاسی در پی داشته است (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۹۵).

به طور کلی ادعای نونهادگرایی این است که افراد منافع خود را با تصمیم‌گیری در درون محدودیت‌های نهادی تعقیب می‌کنند، بنابراین بر اساس این نظریه، افراد عقلانی عمل می‌کنند و به دنبال منافع شخصی خود هستند، اما البته با دانش و ادراک محدود و در چارچوب‌های نهادی محدود کننده. در این نظریه، نهادها به مثابه قواعدی تعریف می‌شوند که با ساز و کارهای اجبارآمیز همراه شده‌اند و انتخاب افراد را محدود می‌کنند. این قواعد طیفی وسیع از قوانین دولتی و خط‌مشی‌های حاکم بر یک سازمان و نیز ارزش‌های حاکم بر یک گروه را دربرمی‌گیرد. ادعای دیگر نونهادگرایی این است که نهادها به گونه‌ای افراد را محدود می‌کنند که انتخاب آنان با خیر جمعی هماهنگ باشد و بدین وسیله

نوعی تعامل سودآور میان افراد را فراهم می‌سازند؛ بنابراین بقای نهاد نهایتاً به کارآمدی در تأمین منافع اعضا وابسته است و نهادهایی که منافع اعضای خود را قربانی کنند، در درازمدت نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. همانگونه که اشاره گردید نونهادگرایی بر انتخاب در درون محدودیت‌ها تأکید می‌کند و این را می‌توان نقطه تأکید اصلی این نگرش تلقی کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۳).

شناخت نهادها و تعریف آنها همواره موضوعاتی چالش برانگیز در عرصه سیاسی بوده‌اند. در یک تعریف کلی می‌توان عنوان نمود که نهاد قاعده‌ای است که نهادینه شده باشد. در حقیقت نهادینه شدن فرآیندی است که طی آن، قواعد و هنجارهای خاصی به گونه‌ای رایج می‌گردند که عمل کردن مطابق با آنها مورد قبول و پذیرش و تخطی از آنها سبب محرومیت می‌گردد. این رویه‌ها و قواعد در روند نهادینه شدن مشروعیت به دست می‌آورند و بر سر آنها توافق جمعی حاصل می‌گردد (لین و ارسون، ۲۰۰۰). در واقع نهادها در مجموع، مقوله‌هایی اجتماعی هستند که نتیجه توافق آگاهانه یا ناآگاهانه گروهی از انسان‌ها هستند (نایت، ۱۹۹۲). پیترز قرار گرفتن در مجموعه عناصر ساختاری جامعه و سیاست (ساختارهای رسمی همچون؛ قوانین، سازمان‌ها و نهادها و غیر رسمی همچون؛ شبکه‌های اجتماعی، عادات و هنجارها)، ثبات و پایداری در زمان، تأثیر بر رفتار فرد از طریق محدود کردن رفتار کنش‌گران و نهایتاً وجود ارزش‌های مشترک میان افراد عضو نهاد را از مؤلفه‌های مهم ایجاد یک نهاد بر می‌شمارد (پیترز، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴).

با توجه به مباحث پیش گفته و با تأکید بر نهادهای موجود و مؤثر در عرصه سیاسی و جریانات و تحولات آن، سه سطح اصلی را می‌توان برای نهادها برشمرد:

۱) نهادهای رسمی: مجموعه نهادهای تشکیل دهنده ساختار سیاسی که یا در قانون اساسی به صورت مصرح آمده است و یا آن که قواعد و سازوکارهای رسمی تنظیم امور حکومتی و حاکمیتی هستند. در این جا نهادهایی چون قانون اساسی، قوانین حقوقی و کیفری، نهادهای سیاسی و سازمان‌ها و نهادهایی که در قانون اساسی بیان شده‌اند بخشی از قدرت را در اختیار دارند.

۲) نهادهای غیر رسمی: نهادهایی که بخشی از ساختار رسمی دولت یا حاکمیت نیستند اما نقش مهمی در زندگی سیاسی و حیات اجتماعی جوامع بر عهده دارند. احزاب، مطبوعات، سندیکاهای انجمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سیاسی را می‌توان بخشی از نهادهای غیر رسمی به شمار آورد.

۳) نهادهای ناملموس: بخشی از نهادها که غالباً ماهیتی نامحسوس دارند ولی در عین حال تأثیر مهمی در شکل بخشیدن به کنش‌های افراد و نحوه عملکرد و توان نهادهای دو سطح دیگر دارند. روابط

غیر رسمی در تعاملات جاری در حوزه علوم سیاسی و حکومتی، پارامترهای فرهنگی، سنت‌ها، عادات، هنجارها و عناصر تولید سرمایه اجتماعی از این نوع مقوله‌ها به شمار می‌آیند (کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۱).

بخش مهمی از بررسی نقش نهادها در عرصه اجتماعی و سیاسی، بر نقش دولت و نهادهای رسمی دولتی در عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تمرکز دارند. مناسبات سازمانی درون سازمان‌های تشکیل دهنده دولت، الگوهای مداخله‌ای آنها در اقتصاد و زندگی اجتماعی و خط‌مشی‌های آنها، همگی بر موقعیت کنش‌گران، روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثرند (اسکاچ پل، ۲۰۰۲). نهادها همچنین سبب شباهت می‌شوند. در واقع نهادها آنچه را که پارسونز "رفتار مورد انتظار مشروع" می‌نامد، تعریف می‌کنند. نهادها با تعریف رفتارهای مشروع از نظر جامعه، سبب همگنی و تجانس کنش‌های کنش‌گران و پیش‌بینی پذیری بیشتر آنها برای دیگر کنش‌گران می‌گردد (هلم، ۱۹۹۵). از این رو نهادها این قابلیت را دارند که از تضادها و تعارضات بکاهند و معیارهایی برای رفتارهای فردی و جمعی به وجود بیاورند که امکان وفاق و وحدت جامعه را ایجاد کند. تضاد، مخالفت، وفاق، همکاری، تعارض، مدارا، دموکراسی، روح جمعی، مقاومت، انگیزش، مخالفت، هماهنگی و بسیاری از فرآیندها و امورات انسانی و اجتماعی دیگر به شدت تحت تأثیر نهادها و سیستم نهادی قرار دارند. در رویدادها و مناسبات اجتماعی نیز می‌توان وجود و حضور پنهان یا آشکار و مستقیم یا غیر مستقیم نهادها را مشاهده و تجربه نمود.

توسعه علمی؛ چرایی و چگونگی آن

برای تحقق امر توسعه در هر کشوری بایستی یک سری مقدمات فراهم گردد. این مقدمات می‌تواند شامل برنامه‌ریزی‌های رسمی از سوی حکومت یا تغییرات فرهنگی در سطح جامعه به منظور مقدمه چینی امر توسعه باشد. دانشگاه‌ها به عنوان موتور محرکه توسعه، یکی از مهمترین کانون‌های تحول در امر توسعه در هر کشوری هستند. در ایران، در مقایسه با سایر کشورها، علاوه بر دانشگاه‌ها، به طور نسبی تعداد بسیار زیادی از مراکز بطور مستقیم یا غیر مستقیم درباره روند توسعه جامع علمی و سرنوشت علم در ایران تصمیم‌گیری می‌کنند که از این مراکز به عنوان نمونه می‌توان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (که هم با بودجه‌های تحقیقاتی زیاد درباره مسئله فرهنگ و هم با دادن "جایزه کتاب سال" و جایزه رساله برتر در جهت‌دهی علم در مسیر دلخواه خود دخالت دارد)، سازمان برنامه و بودجه و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اشاره نمود. به

علاوه انواع سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز دیگر در کنار مراکز پیش گفته مشغول فعالیت و جهت‌دهی به مسیر توسعه علمی کشور هستند مانند حوزه‌های علمیه، فرهنگستان‌های چهارگانه، انجمن آثار و مفاخر و بنیاد ملی نخبگان.

با توجه به عدم ارتباط ساختاری این مراکز با یکدیگر، در برخی از این مراکز کارها و پژوهش‌های تکراری انجام می‌گیرد. در برخی از مراکز کارها و دخالت‌هایی در علم انجام می‌گیرد که اساساً نه از نظر سازمانی به آن‌ها مربوط می‌شود و نه از نظر توانایی. در بیشتر این مراکز برنامه‌های مدون و حساب شده‌ای درباره وضعیت علم و چگونگی بالا بردن کارکرد آن برای سود رساندن به کل کشور وجود ندارد. «یکی از مهمترین موانع توسعه علمی، نامتناسب بودن ساختار مدیریت حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری است. تعدد مراکز تصمیم‌گیری در سطح سیاست‌گذاری کلان، موجب چند پارگی آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی، افت کیفیت و کاهش بهره‌وری شده است.» (معین، ۱۳۸۲).

«باید توجه داشت که بر عکس زمینه‌های دیگر (مانند زمینه‌های اقتصادی) که لازم است یک نوع عدم تمرکز وجود داشته باشد، در زمینه علم می‌بایست بخش‌های اداری و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوط به ابزار کنترل و تشویق علم بطور متمرکز انجام گیرد. اگر ما به کشورهای دیگر نگاه کنیم که در آنجا عدم تمرکز وجود دارد، می‌بینیم که این روش در بخش اقتصادی و سیاسی وجود دارد، اما در بخش علم، تا آنجا که به وزارتخانه‌ها مربوط می‌گردد، از عدم تمرکز پرهیز می‌شود. دخالت دولت در سازماندهی علم در اکثر کشورهای پیشرفته در یک وزارتخانه متمرکز است» (رفعی‌پور، ۱۳۸۳: ۷۸).

تا چند دهه پیش در مجموعه پارامترهای قدرتی کشورها، قدرت نظامی از مهمترین عوامل محسوب می‌شد اما در دنیای امروز در محور اصلی قدرت و اقتدار، نهادهای علمی و دانشگاهی در دو عرصه آموزش و پژوهش قرار دارند. با علم به این معنا دولت‌های پیشرفته بالاترین انرژی خود را صرف توسعه علم و تحقیق می‌کنند چرا که آنها به خوبی دریافته‌اند اقتدارشان یا به عبارت دیگر توانایی اعمال و کنترل قدرت منوط به گسترش توانایی‌های علمی است و این امر نیز جز با انجام اصلاحات در استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مربوط به مدیریت و اداره مراکز علمی و پژوهشی قابل تحقق نیست. تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که با اراده ملی و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان بر توسعه نیافتگی علمی غلبه کرد چرا که توسعه علمی به عنوان موتور توسعه فنی و اقتصادی کشورها بوده و در پیشرفت کشورها بسیار مؤثر است و هر جا علم توسعه یافته کشورها نیز پیشرفت کرده‌اند و رابطه مستقیمی بین توسعه علمی و پیشرفت کشورها وجود دارد. مدل‌هایی که کشورهای مختلف اختیار کرده‌اند یکسان

نیست، مدلی که راهگشای مسائل کشورها باشد مدل متفاوتی خواهد بود اما مشترکات نشان می دهد برای توسعه اصولی، دستور کاری وجود دارد که باید از آن متابعت نمود. در مجموع می توان گفت: توسعه علمی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت های علمی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. باید بین دو مفهوم رشد علمی و توسعه علمی تمایز قائل شد زیرا رشد علمی، مفهوم کمی ولی توسعه علمی مفهوم کیفی است. در توسعه علمی علاوه بر رشد کمی، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهند کرد، توان بهره برداری از ظرفیت های موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد.

ایران از لحاظ پژوهش و ساختارهای علمی وضعیتی مشابه سایر جوامع در حال توسعه دارد با چالشهایی چون ضعف و کمبود شدید مراکز مستقل علمی و وابستگی به بخش دولتی، عدم حمایت همه جانبه دولت از نهادهای تحقیقاتی و مهمتر از همه ضعف شدید مدیریت تصمیم گیری در نظام علمی و پژوهشی و این سبب گردیده تا تولید علمی در ایران دچار نقصان گردیده و ما نه تنها از نظر کمی و کیفی از استانداردهای جهانی پژوهش عقب افتاده و به توسعه علمی دست نیابیم بلکه از تحقق برنامه ها و اهدافی چون سند چشم انداز ۱۴۰۴ نیز دور مانده و به جایگاه علمی خود نه تنها در جهان بلکه در منطقه نیز دست نیابیم. هر چند مسئولان، روشنفکران و دانشگاهیان متفق القولند که پیشرفت در گرو توسعه علمی و پژوهشی است اما پژوهشگران نیز از فقر پژوهش و تحقیقات در ایران گله مند هستند و براین باورند که این اندک توجه به پژوهش نیز مانند سایر مسائل که در ایران اتفاق می افتد موسمی است و به زودی جای خود را به عنوان دیگری خواهد داد که همه اینها ریشه در ساخت و نگرش حاکمان و ماهیت دولت در ایران دارد چرا که بی شک در جوامعی چون کشور ما توسعه علمی به شدت تحت تأثیر سیاست و مناسبات سیاسی و رویکرد حاکمیت نسبت به علم و دانش قرار دارد. هر جا که حاکمیت از علم و توسعه علمی حمایت کرده در آن بخش شاهد توسعه و پیشرفت بوده ایم که این پیشرفت ها بیشتر در حوزه علوم تجربی و نظامی بوده است. در حالیکه توسعه علمی یک امر کیفی و همه جانبه است. از سوی دیگر در مسیر توسعه علمی کشور عموماً یکسری از موانع و ساختارها ایجاد مشکل می نمایند.

موانع سیاسی و ساختاری

مهمترین عاملی که در این چارچوب بایستی مورد توجه قرار گیرد دولت و ساختار سیاسی به

عنوان مهمترین عامل تصمیم گیر و تأثیرگذار در برنامه‌ها و سیاست‌های علمی و توسعه‌ای کشور است. چرا که قدرت اجرایی و نهادهای برنامه‌ریز و تصمیم گیر همچون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی، درون قوه مجریه قرار دارند و یا به نوعی از حمایت‌های آن برخوردار هستند و به همین دلیل به منظور نیل به توسعه همه جانبه؛ آموزش علوم، دانش و فناوری یکی از سیاست‌های توسعه علمی هر دولتی محسوب می‌گردد و بخش مهمی از اهداف نظام‌های آموزشی را به خود اختصاص می‌دهد (بدریان، ۱۳۹۴: ۳۲).

از عوامل مؤثر بر توسعه علمی، آسایش و امنیت به خصوص امنیت فکری و وجود فرصت‌های حمایتی از سوی قدرت فائقه سیاسی در جامعه است. با تسلط حوزه سیاسی بر سایر بخش‌ها و حوزه‌ها، پویایی علم در جامعه تنها از یک منطبق، آن هم منطبق تحقق اهداف ایدئولوژیک تبعیت می‌کند. افزایش تمرکز قدرت و نابرابری در توزیع قدرت سیاسی و بالتبع کاهش آزادی و خودمختاری افراد با تفکر خلاق و نقد و تولید علم حداقل در بلند مدت مغایرت دارد. از این رو رشد و توسعه سیاسی به معنی گسترش توأمان آزادی‌های مدنی و سیاسی و کارایی حکومت در حفظ امنیت شهروندان شرایط را برای رشد و توسعه علمی فراهم می‌نماید (چلبی و معمار، ۱۳۸۴: ۸). در برخی مواقع فقدان تناسب میان اهداف سیاسی دولت‌ها و نیازهای واقعی جامعه به عنوان یکی از موانع توسعه علمی جوامع بر شمرده می‌شود. به نظر تقی آزاد ارمکی، بیشتر دولت‌های ایران در پی پاسخ به نیازهای گروه‌های ذی‌نفع هستند که این امر موجب تعارض و ایجاد مانع در توسعه علمی می‌گردد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۱۴۸). از سوی دیگر عده‌ای، مراجع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاستمداران را مانع تولید علم و توسعه علمی می‌دانند. لذا به نظر آن‌ها، افزایش آگاهی سیاستمداران توسط اهل علم و تلاش در ارتقاء علمی، بسیار مفید و مهم خواهد بود (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۱: ۲۶). موانع سیاسی توسعه علمی ایران را در دو بخش می‌توان دسته‌بندی نمود:

الف) عدم تناسب نظام برنامه‌ریزی توسعه با شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی که شامل موارد زیر است:

کهنگی و ناکارآمدی نظام اداری کشور در بخش‌های مختلف علمی و اجرایی، ضعف سیاست‌های هماهنگ که تداوم و استمرار در برنامه‌های توسعه علمی را ایجاد می‌کند، کمیت‌گرایی در فرایند توسعه علمی، وابستگی تام و تمام منابع مالی به دولت و عدم تنوع در آن‌ها، نارسایی و ناکارآمدی نظام آموزشی و تربیتی کشور، وجود موانع و تنگناهای قانونی و مقرراتی، عدم وجود روند مناسب بین مراکز دانشگاهی و

تحقیقاتی با سازمان‌ها و مراکز اجرایی، فقدان به کارگیری ارزیابی به عنوان یک ابزار یاری دهنده به فرایند مدیریت نظام آموزش، اشتباه دانشگاه‌ها در برتری دادن امر آموزش بر پرورش دانشجویان.

ب) ضعف در نگاه ملی دولت مردان به امر توسعه علمی و فناوری که شامل موارد زیر است:

ضعف در مطالعه و شناخت مزیت‌های نسبی کشور، ضعف در سرمایه‌گذاری لازم و متناسب با مزیت‌های نسبی در منابع انسانی کشور، عدم تأمین مادی و معیشتی کافی محققان و استادان و دانشجویان و کارکنان، ناباوری در سطوح مختلف برنامه‌ریزی اقتصادی نسبت به سرمایه‌گذاری در علم و خوداتکایی در فناوری، ضعف اعتقاد به سرمایه‌ای و نه هزینه‌ای بودن تحقیق در بیش مدیران نظام برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی، وجود موانع اداری و دیوان‌سالاری در امر تحقیق، ناهماهنگی و عدم انسجام سیاست‌های علمی و پژوهشی به علت تعدد مراجع سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی، تضاد بین نظام آموزش کلاسیک و نظام آموزش مبتنی بر پژوهش در دانشگاه‌ها، ضعف وجود اجتماعات پژوهشی فعال در کشور، غلبه نگاه کمی بر کیفی در توسعه علمی کشور، ضعف در نظام شایسته‌سالاری برای مدیریت علمی کشور، عدم هدفمندی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و اتلاف این سرمایه بزرگ (صادق‌زاده و احمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۹).

در کنار دولت، نهادهای سیاسی و اجتماعی دیگری نیز وجود دارند که هر یک به نحوی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌ها اثر گذار هستند. بنابراین در کنار کنشگران اصلی، دیگر نهادها و بازیگران تأثیر گذار حضور خواهند داشت تا از رهگذر تحلیل تعاملات و کنش‌های آن‌ها بتوان موانع سیاسی و ساختاری توسعه علمی در ایران را مورد شناسایی قرار داد. در این چارچوب نقش و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تدوین قوانین و ایجاد شوراها یا کمیته‌هایی که در سطوح کلان به سیاست‌گذاری و تدوین مقررات مشغولند حائز اهمیت خواهد بود. از آنجا که در دوران جمهوری اسلامی همواره با "تعدد مراکز تصمیم‌گیری" و موازی‌کاری‌های سازمانی روبرو بوده‌ایم، از دیگر نهادهای حکومتی و اجتماعی مؤثر بر روند توسعه و رشد علمی کشور می‌توان به مجلس شورای اسلامی، حوزه‌های علمیه، روشنفکران و نخبگان، شورای نگهبان و ... اشاره نمود.

برای رشد و توسعه علمی هر کشوری در چارچوب قوانین و اسناد بالادستی آن، متولی یا متولیانی تعیین گردیده است و این متولیان در چارچوب اهداف خود اقدام به برنامه‌ریزی جهت توسعه علمی می‌نمایند. در کنار این ساختارهای رسمی که در قالب نهادها، سازمان‌ها یا وزارت‌خانه‌ها که مستقیماً زیر نظر دولت انجام وظیفه می‌نمایند یکسری عوامل، نهادها و متولیان نیز حضور دارند که شاید به نوعی

در فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه نقشی به مراتب مهم تر و تأثیرگذارتر در روند شکل گیری رشد و توسعه علمی کشورها دارند. در ایران با توجه به تعدد مراکز تصمیم گیر و تصمیم ساز در حوزه رشد و توسعه علمی و بعضاً موازی کاری و در برخی مواقع تراحم اینگونه مراکز با یکدیگر، امر توسعه علمی با مشکل مواجه گردیده است.

مراکز مهم و تأثیرگذار بر پیشرفت و توسعه علمی کشور را می توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد. یکی از مهمترین مراکز توسعه دهنده علم، دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی هستند. دانشگاه ها به دلیل برخورداری از تعداد زیادی عضو هیئت علمی در رده های مختلف و نیز حضور دانشجویان مستعد و علاقمند به مباحث علمی و معرفتی، پتانسیل بالایی جهت زمینه سازی و جهت دهی رشد و توسعه علمی دارند. در بررسی عوامل مهم و تأثیرگذار بر روند توسعه علمی در سطح دانشگاه ها می توان عوامل سازمانی را به دو بخش علمی و اداری تفکیک نمود. در این خصوص می توان به نقش و تأثیر رئیس دانشگاه، شوراهای مختلف، معاونین دانشگاه، رؤسای دانشکده ها، رؤسای گروه های آموزشی و در مجموع نظام اداری دانشگاه اشاره نمود. در اینجا لازم است به این نکته اشاره گردد که هر کدام از دانشگاه ها در ایران بر اساس نظام رتبه بندی که به وسیله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه گردیده است نقش ها و تأثیرات متفاوتی می توانند در زمینه توسعه علمی داشته باشند. بی شک آنچه که مد نظر نوشته حاضر می باشد تأثیر دانشگاه های سطح ۱ با توجه به اهداف و مأموریت های آن ها در حوزه تولید علم می باشد.

دانشگاه های درجه یک با توجه به تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد دانشجویان به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ارتباطات ملی و بین المللی و همچنین میزان بودجه تخصیص یافته از توان بیشتری در زمینه نقش آفرینی در جهت توسعه علمی برخوردارند. بخش مهمی از هزینه های دانشگاه ها در ایران به وسیله تخصیص بودجه از طرف دولت تأمین می گردد و این موضوع با توجه به برنامه ششم توسعه که یکی از اهداف آن رسیدن به شاخص های جهانی دانشگاه ها و آموزش عالی یعنی درآمدزا بودن دانشگاه ها است، فاصله زیادی دارد. تخصیص بودجه سبب وابستگی شدید دانشگاه ها به بودجه دولت و کم بازده شدن امور پژوهشی در کشور شده است. این امر با مقایسه درآمدهای ۱۵ دانشگاه برتر کشور و جایگاه پژوهش در این درآمدزایی به روشنی قابل مشاهده است. درآمد دانشگاه ها در ایران علاوه بر بودجه مصوب دولت، به طور کلی حاصل از خدمات آموزشی و فرهنگی، خدمات رفاهی دانشجویی، خدمات پژوهشی و درآمدهای حاصل از فروش سایر خدمات است. بررسی ها

نشان می دهد که بیش از ۷۰٪ درآمدهای دانشگاه‌های دولتی در ایران از محل بودجه دولتی تأمین می‌شود در حالیکه مقایسه دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های مطرح جهان، جایگاه فرودستی پژوهش و نقش مهم بودجه دولت در ادامه حیات دانشگاه‌ها را به روشنی نشان می‌دهد.

رؤسای دانشگاه‌ها به عنوان عالیترین مقام دانشگاه‌ها نقش بی‌بدیلی در توسعه و گسترش علم بر عهده دارند زیرا هر اندازه که رئیس دانشگاه از شخصیت و جایگاه علمی بالاتر و نحوه مدیریت قوی‌تری برخوردار باشد به همان میزان بر عملکرد دانشگاه و تولیدات علمی مجموعه تحت مدیریت خود تأثیر خواهد گذاشت. در غالب دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته، رؤسای دانشگاه به وسیله اساتید آن دانشگاه انتخاب می‌شوند و کرائی و توانمندی علمی و مدیریتی مهمترین عامل انتخاب این افراد است. در ایران نحوه تعیین رؤسای دانشگاه‌ها به صورت انتصابی است به این ترتیب که شخص مورد نظر ریاست دانشگاه توسط وزیر علوم به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی می‌گردد و پس از تأیید شورا به ریاست دانشگاه منصوب می‌شود. در این نحوه انتخاب با توجه به فضای حاکم در کشور ما، گرایشات سیاسی، حزبی و گروهی و نیز رایزنی‌ها، نقش اساسی در انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها دارد. در رابطه با معاونین دانشگاه که در بعضی موارد نقش‌های سرنوشت‌سازی در دانشگاه و روند توسعه علمی آن ایفا می‌نمایند نیز روش‌های مختلفی جهت گزینش آن‌ها وجود دارد. اما مدیریت صحیح و هدفمند به منظور رشد و ارتقاء سطح علمی ایجاب می‌نماید تا اولاً حیطه و حدود کارها دقیقتر تعریف شود، ثانیاً یک سیستم کنترل برای هر پست وجود داشته باشد تا از خطر اعمال نفوذ در حیطه‌های دیگر، بالانحص حیطه‌های علمی پیشگیری شود. لذا ایجاب می‌کند اولاً معاونین دانشگاه نیز مانند خود رئیس دانشگاه توسط اعضای هیئت علمی انتخاب گردند و ثانیاً مورد کنترل جمعی واقع شوند.

وضعیت دانشگاه‌ها و مدرک گرایی

طی سال‌های اخیر پدیده مدرک‌گرایی روزبه‌روز در جامعه ما شیوع پیدا کرده بطوریکه رشد قارچ‌گونه مراکز و واحدهای دانشگاهی که از آنها به عنوان کارخانه تولید مدرک یاد می‌شود، در کشور ما بسیار مشهود بوده است. همه اینها در حالی است که آمار بالای بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان طی این سال‌ها نشان داده افزایش تعداد دانشگاه‌ها کمکی به حل معضل اشتغال در کشور نکرده است. رشد و توسعه هر جامعه‌ای بدون توجه به علم، دانش و آموزش امکانپذیر نخواهد بود و یقیناً دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در این زمینه نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کنند، اما هر توسعه‌ای بدون توجه به

استانداردها و زیرساخت‌های موجود در جامعه می‌تواند آسیب‌زا باشد. بررسی کلی از آمار دانشگاه‌ها و دانشجویان موجود در کشور نشان دهنده این موضوع است که گسترش بی‌رویه مراکز آموزش عالی نه تنها کمکی به رشد علمی و حل معضلات جامعه بخصوص اشتغال نکرده است بلکه خود موجب ایجاد معضلات جدیدی نظیر شکل دهی پدیده صندلی خالی، افت کیفیت آموزش، افزایش تعداد فارغ التحصیلان بیکار، بالا رفتن سطح توقعات فارغ التحصیلان و اتلاف مبلغ هنگفتی از بودجه کشور شده است (سنگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

بنا به آخرین گزارش موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، در ایران در مجموع ۲۵۶۹ دانشگاه وجود دارد که از این میان تعداد ۵۳۰ واحد سهم دانشگاه آزاد، ۳۰۹ موسسه غیرانتفاعی، ۱۷۰ مرکز فنی حرفه‌ای، ۴۶۶ مرکز پیام نور، ۹۵۳ واحد علمی کاربردی و ۱۴۱ دانشگاه دولتی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در ۳۱ استان کشور ثبت شده است. این روند افزایش دانشگاه‌ها و تعداد دانشجویان و ترویج مدرک‌گرایی بدون توجه به رشد و توسعه واقعی، خود یکی از عوامل کاهش کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها به عنوان متولیان توسعه علمی می‌باشد.

نتیجه گیری

نهادهای چه به صورت ملموس و چه به صورت غیر ملموس مهمترین تأثیر را در روند پیشرفت و توسعه جوامع مختلف دارند. اینکه نهادهای موجود در یک جامعه توانایی باز تولید عقلانیت و حل و رفع مشکلات و تعارضات درون جامعه خود را داشته باشد نشان دهنده کارکرد مثبت آن‌ها و در مقابل عدم توانایی نهادها و ساختارهای موجود در جامعه در نهادینه نمودن عقلانیت و تفکر و برطرف نمودن موانع و مشکلات آن جامعه نشان دهنده عدم کارایی آن‌ها و در نتیجه بیان کننده نیاز جامعه به اصلاح نهادها و ساختارهای موجود است. معرفت، جهان‌بینی، فرهنگ، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، چشم اندازها و اسناد بالادستی و ... همه را می‌توان در چارچوب نهادها و ساختارهای موجود در جوامع به شمار آورد و تأثیر آن‌ها را بر رشد و توسعه جوامع مورد ارزیابی قرار داد.

رویکرد نونهادگرایی یک چارچوب مناسب برای بررسی و تحلیل موانع توسعه علمی ایران است. با توجه به فرضیه اصلی پژوهش پیش رو که بیان می‌دارد "عوامل سیاسی و ساختاری مهمترین موانع توسعه علمی ایران هستند" می‌توان عنوان داشت که نظریه نونهادگرایی قابلیت تبیین و بررسی عوامل و موانع توسعه علمی ایران را دارا است. موانع سیاسی و ساختاری مهمترین موانع توسعه علمی در ایران

هستند. ساختارها و نهادها با تحمیل الگوها، چشم‌اندازها و نقشه‌های راه خود بر جامعه علمی و دانشگاهی و نیز تأثیر عوامل سیاسی بر انتخاب و گزینش افراد بر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها تأثیر مستقیم گذاشته و به دلیل تکرر این ساختارها و نهادها توسعه علمی با چالش‌های متعدد و متکثری رو به رو گردیده است.

از بعد ساختاری، با وجود نهادها و مراکز متعدد تأثیرگذار بر روند توسعه علمی شاهد پیدایش یک نوع بی‌نظمی، آشفتگی و عدم برنامه‌ریزی صحیح در انتخاب یک مسیر درست برای رسیدن به توسعه علمی هستیم. وجود نهادها و مراکز هم‌چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت علمی ریاست جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه‌های علمیه، فرهنگستان‌ها و ... که همگی خود را به نوعی متولی و صاحب حق در امر تدوین سیاست‌های توسعه علمی می‌دانند سبب ایجاد تضادها و تناقض‌ها در تدوین اسناد بالادستی و آئین‌نامه‌های توسعه علمی گردیده است.

از سوی دیگر، دانشگاه‌ها به عنوان مهمترین متولیان توسعه علمی به دلیل تأثیر عوامل سیاسی و نگرش حزبی و گروهی در گزینش رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، گزینش اساتید و حتی گزینش دانشجو کار ویژه اصلی خود را در نهادینه کردن امر تحقیق و پژوهش به عنوان موتور محرکه توسعه علمی از دست داده‌اند. اتخاذ سیاست‌هایی مبنی بر افزایش تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (گسترش کمی دانشگاه‌ها بدون توجه به کیفیت آن‌ها) با هدف کاهش نرخ بیکاری و بالا بردن نرخ اشتغال به تحصیل در بین جوانان به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی نه تنها سبب ارتقاء جایگاه علمی کشور و زمینه‌سازی توسعه علمی نگردیده بلکه با پدیده‌هایی چون سرقت علمی، تغلب، مقاله و پایان‌نامه فروشی و تنزل اخلاق حرفه‌ای در بین دانشگاهیان به عنوان پیشقراولان و پرچم‌داران توسعه علمی کشور مواجه گردیده‌ایم که این امر خود باعث تشدید معضلات و مشکلات و بازتاب آن‌ها در سطح جامعه و ظهور بحران در بین طبقات جوان و تحصیل کرده خواهد شد.

از سوی دیگر بایستی به این نکته نیز اشاره گردد که با وجود تدوین و ابلاغ اسناد بالادستی چون نقشه جامع علمی کشور، زمینه‌سازی تحقق آن و پیگیری اجرایی شدن این نقشه به درستی انجام نگرفته است. در این رابطه و به منظور ارتقاء جایگاه علم و توسعه علمی در جامعه ایرانی پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- تعیین صرفاً یک متولی یا نهاد به عنوان مرجع و منبع تصمیم‌گیری برای توسعه علمی در ایران
- ۲- دادن استقلال به دانشگاه‌ها جهت انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها توسط اعضای

هیئت علمی

- ۳- توجه ویژه به کیفیت دانشگاه‌ها و پرهیز از توسعه بی‌رویه آن‌ها و همچنین رشته‌ها و پیگیری امر تجمیع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی
- ۴- بازنگری در انتخاب و گزینش اساتید و اعضای هیئت علمی و همچنین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به ویژه در مقطع دکتری و همچنین اصلاح و روزآمد کردن آئین نامه‌های ارتقای اعضای هیئت علمی
- ۵- ایجاد قطب‌های علمی و پژوهشی در سطح کشور با توجه به ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های مختلف و ایجاد پیوند عمیق بین صنعت و دانشگاه

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹). اندیشه نوسازی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بدریان، عابد (۱۳۹۴). «مفهوم و جایگاه سواد علمی در پیشرفت و توسعه پایدار کشور»، نشاء علم، سال ششم، شماره اول: ۳۵-۳۱.
- پیترز، گای (۱۳۸۶). نظریه نهادگرایی در علم سیاست، ترجمه فرشاد مومنی و فریبا مومنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- چلبی، مسعود؛ معمار، ثریا (۱۳۸۴). «بررسی عرضی- ملی عوامل کلان مؤثر بر توسعه علمی»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۱، شماره ۳۷ و ۳۸: ۲۴-۱.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی در علوم سیاسی، قم، دانشگاه علوم انسانی مفید.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۱). «از نهادگرایی تا گفتمان: درآمدی بر کاربرد نظریه‌های نهادگرایی در علوم سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره: ۱۰۸-۸۳.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۳). موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رنانی، محسن (۱۳۹۱). کھولت اقتصاد ایران؛ مانع تحرک تولید و اشتغال ملی، بورس نیوز، کد خبر ۷۷۷۱۰.
- سنگی، لیلا؛ مجاهدی، محمدمهدی؛ نبوی، سید عبدالامیر و حجازی، الهه (۱۳۹۸). «موانع توسعه علوم انسانی از منظر خردگرایی نقاد با نگاهی به ایران»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۶: ۲۵۱-۲۲۱.
- صادق‌زاده، علیرضا؛ احمدی‌فر، مهرداد (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی مدیریت نظام آموزشی کشور و تأثیر آن بر وضعیت موجود نظام آموزشی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۵ و ۱۶: ۱۲-۶.
- کاظمی، پروین (۱۳۸۰). دانشگاه و چالش‌هایش؛ گفتگو با دانشگاهیان، تهران، نشر آریا.
- کاظمی، حجت (۱۳۹۲). «نهادگرایی به عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی»، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۳: ۲۷-۱.
- کیوانی امینه، محمد (۱۳۸۵). «آشنایی با مکتب نهادگرایی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۲: ۹۱-۱۲۰.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی-یوسفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

معین، مصطفی (۱۳۸۲). موانع توسعه علمی ایران، دایره‌المعارف آموزش عالی، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

نوروززاده، رضا؛ رضایی، ندا (۱۳۸۸). «توسعه علمی در جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد، موانع و راهکارها»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۹: ۴۶-۹.

Steinmo, Sven (2008), " Historical Institutionalism", in: Approaches and Methodologies in the Social Science: A Pluralist Perspective, Edited by Donatella Della Porta and Michael Keating, Cambridge university press.